

غیر قابل فروش

خوردید ماه

ماہنامہ محتوایی ویژه محافل

و جلسات قرآن و عترت علیہم السلام

شماره یازده - فروردین ۱۴۰۵





ماهنامه محتوایی ویژه مبلغان
ومریبان قرآن و عترت

شماره ۵۵ - اسفند ۱۴۰۴

پرنفیس قرآن کریم



خانواده طلاب هنرمند

تهیه شده در:

بدیع (دستیار ایده و محتوای قرآنی)

هرگونه استفاده و ترویج خورشید و ماه در
منابر، کلاس‌ها، جلسات و محافل قرآنی **جایز**
و موجب خوشحالی تولیدکنندگان است.

نویسندگان:

مرتضی حاجی‌وند

طراح لوگو: حسن کریمی

صفحه‌آرایی: غلامعلی جزینی



پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ می خواست همه مردم را علی بن ابی طالب عَلَيْهِمُ السَّلَام کند ولی نمی شد. و اگر بعثت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هیچ ثمره‌ای نداشت الا وجود علی بن ابی طالب عَلَيْهِمُ السَّلَام و وجود امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف این هم توفیق بسیار بزرگی بود. اگر خدای تبارک و تعالی، پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را بعث می کرد برای ساختن یک همچون انسان‌های کاملی، سزاوار بود؛ لکن آن‌ها می خواستند که همه آن‌طور بشوند، آن توفیق حاصل نشد.

صحیفه امام؛ ج ۱۲، ص ۴۲۴.



ما [روحانیون] در حرکت این قطار جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی، باید دائم سهیم باشیم. نمی‌شود عالم دینی خودش را کنار بکشد و بگوید به من ربطی ندارد. چه طور ربطی ندارد؟! حکومت دین، حکومت اسلام، به ما ربطی ندارد؟! اگر در گوشه‌یی از زوایای عالم که از ما هزاران فرسنگ فاصله داشت، حکومتی بر اساس دین تشکیل می‌شد، من و شما وظیفه داشتیم که به آن حکومت کمک کنیم. اقامه دین، وظیفه است. حاکمیت دین، هدف مهم همه ادیان است؛ «لیقوم الناس بالقسط». قیام به قسط، قیام به عدل و حاکمیت الهی، هدف بزرگ ادیان است. اصلاً ائمه ما علیهم‌السلام تمام زجر و مصیبتشان به خاطر این بود که دنبال حاکمیت الهی بودند؛ و الا اگر امام صادق و امام باقر علیهم‌السلام یک گوشه می‌نشستند و چند نفر دور خودشان جمع می‌کردند و فقط یک مسئله شرعی می‌گفتند، کسی به آنها کاری نداشت. خود امام صادق علیه‌السلام در یک حدیث می‌فرماید: «هذا أبو حنیفة له اصحاب و هذا الحسن البصری له اصحاب»؛ ابو حنیفه اصحاب دارد، حسن بصری اصحاب دارد. پس، چرا به آنها کاری ندارند؟ چون می‌دانند که آن حضرت داعیه امامت دارد؛ اما آنها داعیه امامت نداشتند... امامت یعنی چه؟ آیا یعنی همین که مسئله بگویی، و دنیا را دیگری اداره کند؟ ... امام صادق دنبال امامت بود یعنی ریاست دین و دنیا منتها شرایط جور نمی‌آمد؛ اما ادعا که بود. برای خاطر همین ادعا هم آن بزرگواران را کشتند. پس، این معنای حاکمیت دین است که پیامبران برایش مجاهدت کردند، و ائمه برایش کشته شدند.

بیانات در دیدار جمعی از فضلا، طلاب و روحانیون استان

لرستان، ۳۰/۵/۱۳۷۰.

﴿وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ

ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا﴾

و کارهای خوب ماندگار نزد پروردگارت از
جهت پاداش بهتر و از لحاظ امیدداشتن
به آنها نیکوتر است.

سوره مبارکه کف، آیه شریفه ۴۶

همراه گرامی

با سلام و احترام

«خورشید و ماه» با همت جمعی از
دغدغه‌مندان فرهنگ قرآنی و به صورت
کاملاً جهادی و مردمی تولید می‌شود. تداوم
این مسیر، با حمایت‌های مالی - حتی اندک -
شما عزیزان ممکن خواهد بود. در صورت
تمایل، می‌توانید با کلیک روی لینک زیر به
«خورشید و ماه» کمک کنید.

فهرست مطالب

۸ برای شروع...

۹ برای مربیان و مبلغان

۱۱ خورشید (مناسبت‌های شمسی)

۱۲ ۱ فروردین - عید نوروز

۲۲ ۱۲ فروردین - روز جمهوری اسلامی

۳۰ ۲۰ فروردین - روز ملی فناوری هسته‌ای

۳۷ ۲۰ فروردین - روز هنر انقلاب اسلامی

۴۵ ماه (مناسبت‌های قمری)

۴۶ ۱ شوال - عید فطر

۵۴ ۸ شوال - سالروز تخریب بقیع توسط وهابیان

۶۲ ۱۵ شوال - درگذشت عبدالعظیم حسنی

۶۸ ۲۵ شوال - شهادت امام جعفر صادق علیه السلام



برای شروع

سال‌ها پیش ایده‌های شکل گرفت برای شناساندن مناسبت‌های شمسی و قمری تقویم به مردم. بسیاری از مناسبت‌ها در تقویم درج شده‌اند اما کمتر کسی از ما می‌داند که دلیل اهمیت آن‌ها یا داستان‌شان چیست. بعد از چندی، این ایده تغییر کرد و با محوریت قرآن شکیلی نو به خود گرفت و شد آنچه که اکنون پیش روی شماست: «خورشید و ماه»؛ ماهنامه‌ای برای معرفی مناسبت‌ها و پیوند آن‌ها به آیات قرآن و سخنان اهل بیت علیهم‌السلام.

گرچه این ماهنامه برای عموم افراد قابل استفاده است اما در نگاه اول، برای فعالان قرآن و عترت تولید شده است. اگر مربی، مبلغ، معلم یا برگزارکننده جلسات و کلاس‌های مذهبی هستید، «خورشید و ماه» می‌تواند همراه مناسبی برای شما باشد. در هر شماره از این مجله، برای هر مناسبت یک آیه محوری انتخاب شده است؛ بعد از توضیح مناسبت، پیوند آن با آیه مورد بررسی قرار گرفته است و در ادامه نیز روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام و بیاناتی از رهبر معظم انقلاب مدته آورده شده تا بهره‌م مخاطب از خوان معنوی کامل شود.

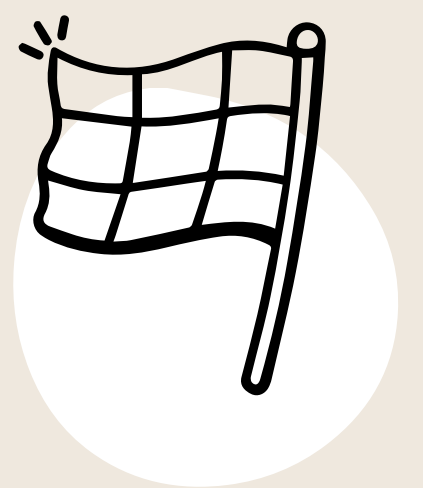
مزید امتنان است که ما را از نظرات ارزشمندتان بی‌نصیب نگذارید. بی‌شک نظرات شما چراغ راه ادامه مسیر این کار کوچک خواهد بود؛ ان شاء الله.

برای مریبان و مبلغان

فارغ از نوع فعالیت شما- جلسات خانگی قرآن، هیئت‌های مذهبی، پایگاه‌های بسیج یا سایر محافل- می‌توانید از این شیوه‌نامه برای ارائه مؤثر محتوای «خورشید و ماه» استفاده نمایید. دقت کنید که این روش، الگوی پیشنهادی ماست و شما باید با خلاقیت خود و با در نظر گرفتن ویژگی‌های مخاطبان، زمان و شرایط خاص منطقه خود، آن را مناسب‌سازی کنید.

۱. گام اول: شروع (۱۰ دقیقه)

جلسه را با توضیحی مختصر و جذاب درباره موضوع شروع کنید. این بخش باید به گونه‌ای طراحی شود که ذهن مخاطبان را برای درک بهتر محتوا آماده سازد.



۲. گام دوم: مشارکت مخاطب (۱۰ دقیقه)

در صورت حضور افرادی که درباره موضوع آگاهی یا تجربه‌ای دارند، فرصتی فراهم کنید تا به بیان خاطرات یا اطلاعات خود بپردازند. این کار باعث افزایش مشارکت و جذابیت جلسه خواهد شد.



۳. گام سوم: تلاوت آیه (۵ دقیقه)

مربی یا یکی از شرکت‌کنندگان آیه را تلاوت کنند. سعی کنید همه افراد را به مشارکت در تلاوت تشویق و در صورت نیاز، تلاوت آیه را تکرار کنید. همچنین، بیان ترجمه قابل فهم آیه را فراموش نکنید.



۴. گام چهارم: مشارکت مخاطب (۱۰ دقیقه)

پیش از ارائه تفسیر و توضیح، از مخاطبان بخواهید برداشت شخصی خود از آیه را بیان کنند و ارتباط آن را با مناسبت مورد بحث مطرح نمایند. این گفت‌وگوی گروهی به فهم عمیق‌تر و ماندگارتر پیام جلسه کمک می‌کند.



۵. گام پنجم: جمع‌بندی (۱۰ دقیقه)

با اشاره به مفهوم محوری آیه و پیوند آن با مناسبت، مطالب را جمع‌بندی کنید و مصادیق عملی این آیه را در زندگی روزمره بیان کنید.



۶. گام ششم: عهد

در پایان، با شرکت‌کنندگان عهد ببندید تا مفاهیم آیه را در زندگی خود به کار ببندند.





مناسبت‌های شمسی

۱ فروردین: عید نوروز

۱۲ فروردین: روز جمهوری اسلامی

۲۰ فروردین: روز ملی فناوری هسته‌ای

۲۰ فروردین: روز هنر انقلاب اسلامی

دربارهٔ مناسبت

گردش زمین چون به نقطهٔ اعتدال بهاری برسد و خورشید در سیر ظاهری خویش با عبور از استوای زمین، گام در خلوت‌گاه برج حمل بنهد، «نوروز» زاده می‌شود؛ لحظه‌ای که در آن روز و شب به برابری می‌رسند و زمین، پس از خوابی زمستانی، بیداری و زایش دوباره باغ و بوستان را جشن می‌گیرد. نوروز، نخستین روز فروردین و طلیعهٔ سال نوی هجری خورشیدی، کهن‌ترین نماد فرهنگی ایران زمین است که ریشه در تاریخ دارد.

دربارهٔ خاستگاه این آیین روایت‌ها بسیار است؛ گروهی پیدایش آن را به نخستین پادشاهان اساطیری ایران نسبت می‌دهند و گروهی دیگر آن را برآمده از آموزه‌های زرتشتی می‌پندارند؛ اما فراتر از این روایات، امروزه نوروز با رشته‌ای نامرئی، تار و پود اقوام مختلف ایرانی و ملت بزرگ ایران را به یکدیگر پیوند می‌دهد. شکوه این همبستگی به مرزهای ایران محدود نمانده است؛ چنان‌که مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نوروز را در تقویم جهانی خود جای داده و یونسکو نیز در مهرماه ۱۳۸۸، با همراهی ایران، هند، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، عراق و آذربایجان

و... این آیین را به عنوان میراث فرهنگی ناملموس جهانی به ثبت رسانده است.

در ایران خیل عظیمی از مشتاقان در حرم مطهر امام رضا علیه السلام و امامزادگان گرد هم می‌آیند و سال نوی خود را آغاز می‌کنند. در کشورهای افغانستان و پاکستان نیز با این باور که ولایت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام در چنین روزی رقم خورده، مراسم ویژه‌ای برپا می‌شود.

رهبر شهیدمان، حضرت امام خامنه‌ای رحمة الله علیه، در دهه‌های اخیر سنتی ارزشمند را پایه‌گذاری نموده بودند که با صدور پیام نوروزی، ضمن تبریک این عید، با نام‌گذاری سال جدید متناسب با نیازها و شرایط کشور، نقشه راه و چشم‌انداز سال را ترسیم می‌نمودند.

ارتباط آیه و مناسبت



نوروز، تابلویی بی‌نظیر از همزیستی مسالمت‌آمیز فرهنگ‌ها و باورهاست. در این روز نو، انسان‌ها با علائق گوناگون گرد یک اندیشه مشترک جمع می‌شوند تا همپای طبیعت، روان و نگرش خود را نو کنند. این نوشدن، با سنت‌های زیبا آغاز می‌شود؛ از خانه‌تکانی و زدودن غبار از درودیوار گرفته تا زیارت قبور رفتگان و خیرات برای شادی روح آنان در



پنجشنبه آخر سال و عیدی دادن و سنت حسنه صلۀ ارحام. با نزدیک شدن به لحظه تحویل سال، تن پوش های تازه بر تن ها می نشینند، سبزه ها کاشته و سفره های هفت سین گسترده می شود؛ سفره ای که در کنار نمادهای زمینی اش، حضور قرآن بر آن نشان از پیوند دین و فرهنگ در این سرزمین است.

بر پایه روایتی، امام صادق علیه السلام در این روز به اعمالی چون غسل نمودن، روزه گرفتن، پوشیدن پاکیزه ترین و خوشبوترین لباس ها و خواندن نماز توصیه فرموده اند. در روایتی دیگر نوروز یادآور وقایع بزرگ آفرینش و دین برشمرده شده است؛ روزی که ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در آن ابلاغ شده است. این پیوند عمیق میان سنت ملی و باورهای مذهبی، در لحظه تحویل سال به اوج خود می رسد؛ آن گاه که مردم با خواندن دعای «يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ»، دگرگونی احوال خود را از پروردگار طلب می کنند. در نهایت، نوروز را باید آینه ای تمام نما از روح کمال جوی انسان دانست؛ جشنی که در آن رستاخیز طبیعت بارستاخیز جان در هم می آمیزد و بهانه ای می شود تا انسان، با تکیه بر سنت های نیکوی نیاکان و در پرتوی انوار الهی، طرحی نو در اندازد و به سوی روشنی، پاکی و رویشی دوباره گام بردارد.

کلام معصوم



الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَنَّ يَوْمَ النَّيْرُوزِ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَخَذَ فِيهِ
النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعَهْدَ بِغَدِيرِ خُمٍّ فَأَقْرَأَهُ
بِالْوَلَايَةِ فَطُوبَى لِمَنْ ثَبَتَ عَلَيْهَا وَالْوَيْلُ لِمَنْ نَكَثَهَا وَهُوَ
الْيَوْمُ الَّذِي وَجَّهَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى وَادِي
الْجِنِّ فَأَخَذَ عَلَيْهِمُ الْعُهُودَ وَالْمَوَاقِيقَ وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي
ظَفَرَ فِيهِ بِأَهْلِ النَّهْرَوَانَ وَقَتَلَ ذَا التُّدَيْيَةِ وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي
يُظَهَرُ فِيهِ قَائِمْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَوَلَاةَ الْأَمْرِ وَيُظْفِرُهُ اللَّهُ تَعَالَى
بِالدَّجَالِ فَيَصْلِبُهُ عَلَى كُنَاسَةِ الْكُوفَةِ وَمَا مِنْ يَوْمٍ نَوْرُوزٍ
إِلَّا نَحْنُ نَتَوَقَّعُ فِيهِ الْفَرَجَ لِأَنَّهُ مِنْ أَيَّامِنَا حَفِظَتْهُ الْفُرْسُ وَ
ضَيَّعْتُمُوهُ... وَهُوَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ سَنَةِ الْفُرْسِ.»^۱

امام صادق علیه السلام: «روز نوروز همان روزی است که
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در غدیر خم برای امیرالمؤمنین علیه السلام
پیمان گرفت و مردم برای او به ولایت اقرار کردند.
پس خوشا به حال کسی که بر آن ثابت بماند و
وای بر کسی که آن را نقض کند. و آن روزی است

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۸، ص ۱۷۳.



که رسول خدا ﷺ علی علیه السلام را به سرزمین جنیان فرستاد و از آنان پیمان‌ها و سوگندها گرفت. و آن روزی است که امیرالمؤمنین علیه السلام بر اهل نهروان پیروز شد و ذوالثُدَّیَّة - یکی از خوارج - را کشت. و آن روزی است که قائم ما اهل بیت و والیان امر در آن ظهور می‌کنند و خداوند متعال او را بر دجال پیروز می‌گرداند و او را بر کناسه کوفه به دار می‌آویزد. و هیچ روز نوروزی نیست مگر این که ما در آن روز منتظر فرج هستیم، زیرا نوروز از روزهای ماست که ایرانیان آن را حفظ کردند و شما - اعراب - آن را ضایع کردید. و نوروز اولین روز از سال ایرانیان است.»

شمس سخن رهبر شهید رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ

به نظر من آنچه که ملت ایران در باب عید نوروز انجام داده است، یکی از زیباترین و شایسته‌ترین کارهایی است که می‌شود با یک مراسم تاریخی و سنتی انجام داد. اوّل سال شمسی ما ایرانی‌ها - یعنی اوّل بهار - عید نوروز است. اوّل ملت ایران افتخار دارد که سال شمسی او هم سال هجری است؛ یعنی هم‌چنان که سال قمری ما از مبدأ

هجرت خاتم الانبیاء - علیه و علی آله الصّلاة والسّلام - است، سال شمسی ما هم از مبدأ هجرت است. بقیه ملت‌های مسلمان برای سال شمسی خود، از سال میلادی استفاده می‌کنند؛ ولی ما ایرانی‌ها، هجرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله را هم مبدأ سال قمری قرار دادیم، هم مبدأ سال شمسی.

این، مطلب اوّل که به نظر من نشانگر هنر و عشق و علاقه ایرانی به تعالیم مقدّس اسلام و به آثار مطهّر و مقدّس نبوی است. در ضمن، اوّل سال را اوّل فصل بهار انتخاب کرده‌ایم، در حالی که مسیحیان، اوّل زمستان را اوّل سال قرار می‌دهند... اوّل بهار، اوّل رویش طبیعت، اوّل بیداری باغ و راغ و بوستان و اوّل بالندگی همه موجودات زنده است. این بهتر از زمستان است که وقت مردن و انجماد طبیعت و گیاه و نباتات است.

اسلام با سنّت‌هایی که از قبل از اسلام باقی مانده است، دو نوع رفتار می‌کند: اوّل بعضی سنّت‌های غلط را به کلی از بین می‌برد و نابود می‌کند؛ چون سنّت‌های درستی نیست... ثانیاً اسلام بعضی از سنّت‌ها را از بین نبرده است. کالبد سنّت را نگه داشته و محتوا و روح آن را عوض کرده است؛ مثل بسیاری از اعمال و مراسم حج... مردم ما عین همین کار را با نوروز کردند؛ نوروز را نگه داشتند و محتوای آن را

عوض کردند. نوروز در ایران، جشنی در خدمت حکومت‌های استبدادی قبل از اسلام بود! به همین خاطر است که «نوروز باستانی»، «نوروز باستانی» می‌گویند! «نوروز» اش خوب است، ولی «باستانی» اش بد است! «باستانی» یعنی این که همه این جشن‌ها.. در خدمت حکومت‌های استبدادی و سلطنت‌های پوسیده دوران جاهلیت ایران بود! محتوای نوروز، محتوای مردمی و خدایی نبود؛ توجه و ارادت به حضرت حق در آن نبود؛ جهات عاطفی و انسانی و مردمی در نوروز نبود! ملت ایران نوروز را نگه داشتند؛ اما محتوای آن را عوض کردند. این محتوای امروز نوروز ایرانی، غیر از محتوای باستانی است.

نوروز برای ملت ما، امروز عبارت است از اولاً توجه مردم به خدا. اول تحویل سال که می‌شود، مردم دعا می‌خوانند، «یا محوّل الحول والاحوال» می‌گویند، آغاز سال را با یاد خدا شروع می‌کنند، توجه خود را به خدا زیاد می‌کنند. این، ارزش است. ثانیاً نوروز را بهانه‌ای برای دید و بازدید و رفع کدورت‌ها و کینه‌ها و محبت به یکدیگر قرار می‌دهند. این همان برادری و عطوفت اسلامی و همان صلّه رحم اسلام است؛ بسیار خوب است. ضمناً نوروز را بهانه‌ای برای زیارت اعیان مقدّسه قرار می‌دهند؛ به مشهد مسافرت می‌کنند - که همیشه یکی از



پرجمعیت‌ترین اوقات سال در مشهد مقدّس، اوقات عید نوروز بوده است- این بسیار خوب است.

پس می‌بینید که نوروز را نگه داشتند، محتوای آن را که غلط بود، به محتوای صحیح و درست تبدیل کردند. این هنر ملت ایران و ذوق و سلیقه ایرانی مسلمان است. ما عید نوروز را از دیدگاه کسانی که با اسلام سر و کار دارند، تأیید می‌کنیم... نوروز، یعنی روز نو. در روایات ما به این نکته توجه شده است... [امام صادق علیه السلام] می‌فرمایند: «أتدري ما النيروز؟» آیا می‌دانی نوروز چیست؟... من این‌طور می‌فهمم که حضرت «روز نو» را معنا می‌کنند. منظور این است: امروز را که مردم، «نوروز» گذاشته‌اند، یعنی روز نو! روز نو یعنی چه؟ همه روزهای خدا مثل هم است؛ کدام روز می‌تواند «نو» باشد؟ شرط دارد. روزی که در آن اتفاق بزرگی افتاده باشد، نوروز است. روزی که شما در آن بتوانید اتفاق بزرگی را محقق کنید، نوروز است. بعد، خود حضرت مثال می‌زنند و می‌فرمایند: ... روزی که قرآن بر پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل شد، روز نویی برای بشریت است، روزی هم که امیرالمؤمنین علیه السلام به ولایت انتخاب شد، روز نو است. این‌ها همه، «نوروز» است؛ چه از لحاظ تاریخ شمسی، با اوّل ماه «حَمَل» مطابق باشد یا نباشد... هر روزی که این‌طور خصوصیتی در آن



اتفاق بیفتد، روز نو و «نوروز» است؛ چه اوّل فروردین، چه هر روز دیگری از اوقات سال باشد.

روزی که انقلاب پیروز شد «نوروز» است، روز نویی بود. روزی که امام وارد این کشور شد، برای ما نوروز بود. روز فتوحات عظیم این جوانان مؤمن و این ایثارگران ما در جبههٔ نبرد -علیه نظامیانی که از «ناتو» و «ورشو» و آمریکا و شوروی و خیلی از مراکز دیگر قدرت تغذیه می‌شدند- روز پیروزی جوانان ما -با ایمانشان- بر آن‌ها «نوروز» است؛ روز نو است. حال اگر شما می‌خواهید روز اوّل فروردین راهم برای خودتان روز «نو» و نوروز قرار دهید، شرط دارد. شرطش این است که کاری کنید و حرکتی انجام دهید؛ حادثه‌ای بیافرینید. آن حادثه در کجاست؟ در درون خود شما! «یا مقلب القلوب و الابصار. یا مدبّر اللیل و النهار. یا محوّل الحول و الاحوال. حوّل حالنا الی احسن الحال».

اگر حال خود را عوض کردید، اگر توانستید گوهر انسانی خود را درخشان‌تر کنید، حقیقتاً برای شما «نوروز» است! اگر توانستید پیام انقلاب، پیام پیامبران، پیام امام بزرگوار و پیام خون‌های مطهر بهترین جوانان این ملت را -که در این راه ریخته شده است- به دل خودتان منتقل کنید، برای شما «نوروز» است.^۱

۱. بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۷/۰۷/۰۱.





۱۲ فروردین - روز جمہوری اسلامی

آیہ محوری



﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾؛ «و ہمگی به

ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید.»

۱. سورہ مبارکہ آل عمران / ۱۰۳.



دربارهٔ مناسبت



بهار سال ۱۳۵۸ فصل رویش آیه‌های سبز انقلاب و شکوفایی ارادهٔ ملتی بود که پس از قرن‌ها استبداد، سرنوشت خویش را در دست گرفته بود. پنجاه روز پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، ملت ایران حماسه‌ای بی‌نظیر را رقم زد. صندوق‌های رأی به صحنهٔ نمایش وحدت ملی تبدیل شد و ایرانیان طومار سلطهٔ شیطانی را در هم پیچیدند.

در فضای پراشتهاب ماه‌های نخست انقلاب، احزاب و گروه‌های مختلف هر یک نامی برای آیندهٔ کشور پیشنهاد می‌دادند؛ از «جمهوری دموکراتیک اسلامی» تا «جمهوری خلق» و «جمهوری ایران». اما در این میان، بیان قاطع حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ راهگشا بود: «فقط جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد». ملت بصیر ایران نیز با لبیک به این پیام تاریخی و آیهٔ شریفهٔ «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»، با رأی قاطع و خیره‌کننده ۹۸٫۲ درصدی، مهر تأییدی بر استقرار نظام جمهوری اسلامی زدند.

روز دوازدهم فروردین روز تولد نظام مردم‌سالار دینی بود. واژهٔ «جمهوری» تبلور نقش‌آفرینی تودهٔ مردم در تعیین سرنوشت خویش است و کلمهٔ «اسلامی»، نشانگر



حاکمیت ارزش‌های الهی و قرآنی بر ارکان این ساختار سیاسی. استقرار این نظام در زمانه‌ای که جهان در سیطرهٔ دو بلوک شرق و غرب بود و دین از عرصهٔ قدرت حذف شده بود، معادلات استکبار جهانی را بر هم زد و الگویی نو از حکومت‌داری را به بشریت تشنهٔ حقیقت عرضه کرد؛ الگویی فراتر از مدینهٔ مدرنیته، جامعه‌ای مبتنی بر مدنیت نبوی و تمدنی مبتنی بر توحید.

امروز، نهال بالندهٔ جمهوری اسلامی ایران، علی‌رغم دشمنی استکبار جهانی و ایادی داخلی آن، گامی بلند به سوی تمدن نوین اسلامی برداشته است. پیشرفت‌های خیره‌کننده در عرصه‌های مختلف از جمله در انرژی هسته‌ای، نانو، هوافضا و سلول‌های بنیادی، تنها بخشی از ثمرات شجرهٔ طیبه‌ای است که در ۱۲ فروردین کاشته شد. این نهضت که پیام‌آور استقلال و رهایی مستضعفان جهان از چنگال استعمار و استکبار است، با صلابت به حیات خویش ادامه خواهد داد و ان‌شاءالله، با مقدمه‌سازی حکومت جهانی مهدوی، پرچم این امانت الهی را به دستان مبارک حضرت صاحب‌الزمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ خواهد سپرد.

ارتباط آیه و مناسبت



﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ صدق الله العلي العظيم؛ خداوند تعالی وعده فرموده است که مستضعفین ارض را به امید و توفیق خودش به مستکبرین غلبه دهد و آنها را امام و پیشوا قرار دهد. وعده خداوند تعالی نزدیک است.

من به ملت بزرگ ایران که در طول تاریخ شاهنشاهی که با استکبار خود آنان را خفیف شمردند و بر آنان کردند آنچه کردند، صمیمانه تبریک می‌گویم. خداوند تعالی بر ما منت نهاد و رژیم استکبار را با دست توانای خود که قدرت مستضعفین است در هم پیچید و ملت عظیم ما را ائمه و پیشوای ملت‌های مستضعف نمود و با برقراری جمهوری اسلامی وراثت حقه را بدانان ارزانی داشت. من در این روز مبارک، روز امامت امت و روز فتح و ظفر ملت جمهوری اسلامی را اعلام می‌کنم.

به دنیا اعلام می‌کنم که در تاریخ چنین فراندومی سابقه ندارد، که سرتاسر مملکت با شوق و شعف و عشق و علاقه به صندوق‌ها هجوم آورده و رأی مثبت خود را در آن ریخته و رژیم طاغوتی را برای همیشه در زباله‌دان تاریخ دفن کند.



من از این همبستگی بی‌مانند که جز مثنی ماجراجو و بی‌خبر از خدا همه و همه به ندای آسمانی «واعتصموا بحبل الله جميعاً» لبیک گفتند و با تقریباً اتفاق آرا به جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند و رشد سیاسی و اجتماعی خود را به شرق و غرب ثابت کردند، تقدیر می‌کنم.

مبارک باد بر شما روزی که پس از شهادت جوانان برومند و داغ دل مادران و پدران و رنج‌های طاقت‌فرسا، دشمن غول‌صفت و فرعون‌زمان را از پای در آوردید و با رأی قاطع به جمهوری اسلامی، حکومت الهی را اعلام نمودید؛ حکومتی که در آن جمع اقشار ملت با یک چشم دیده می‌شوند و نور عدل الهی بر همه و همه به یک‌طور می‌تابد و باران رحمت قرآن و سنت بر همه‌کس به یکسان می‌بارد. مبارک باد شما را چنین حکومتی که... همه برادر و برابرند؛ فقط و فقط کرامت در پناه تقوا و برتری و به اخلاق فاضله و اعمال صالحه است.

مبارک باد بر شما روزی که در آن... طاغوت دفن شد و طغیان و سرکشی به دنبال او دفن می‌شود، و کشور از چنگال دشمن‌های داخلی و خارجی و چپاولگران و غارت‌پیشگان نجات یافت. اینک شما ملت شجاع، پاسداری جمهوری

اسلامی هستید. اینک شما هستید که باید این اثر الهی را با قدرت و قاطعیت حفظ کنید و نگذارید بقایای رژیم متعفن که در کمین نشست‌ه‌اند و طرفداران دزدان بین‌المللی و نفت‌خواران مفت‌خوار در بین صفوف فشرده شما رخنه کنند. اینک شما باید که باید مقدرات خود را به دست بگیرید و مجال به فرصت‌طلبان ندهید، و با قدرت الهی که مظهر آن جماعت است، قدم‌های بعدی را بردارید.

... صبحگاه ۱۲ فروردین که روز نخستین حکومت الله است از بزرگترین اعیاد ملی و مذهبی ماست و ملت ما باید این روز بزرگ را عید بگیرند و زنده نگه دارند، روزی که کنگره‌های قصر ۲۵۰۰ ساله حکومت طاغوتی فروریخت و سلطه شیطانی برای همیشه رخت بر بست و حکومت مستضعفین که حکومت خداست جانشین آن گردید. هان ای ملت عزیز! که با خون جوانان خود حق را عزیز بشمرید و از آن پاسداری کنید و در تحت لوای اسلام و پرچم قرآن، عدالت الهی را با پشتیبانی خود اجرا نمایید.^۱

۱. صحیفه امام رحمة الله عليه؛ ج ۶، صص ۴۵۲-۴۵۴.



کلام معصوم



أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَ
الْفُرْقَةَ.»^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام: «دست خدا با جماعت است و
از تفرقه حذر کنید.»

عزم سخن رهبر شهید رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ

روز جمهوری اسلامی یک مقطع تاریخی بی نظیری در تاریخ کشور ماست، زیرا که برای اولین بار بعد از صدر اسلام و پس از فترت کوتاه اولین سال‌های فتح ایران به دست مسلمین... یک حکومتی اعلان شد... که دارای دو خصوصیت مردمی بودن و الهی بودن هست؛ یعنی جمهوری اسلامی... نقطه مکمل و متمم انقلاب بیست و دو بهمن بود؛ یعنی خلاص؛ محصول بیست و دو بهمن روز جمهوری اسلامی - روز دوازدهم فروردین - بود.

از یک نظر دیگر هم روز جمهوری اسلامی بسیار مهم است و

۱. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۲۷.

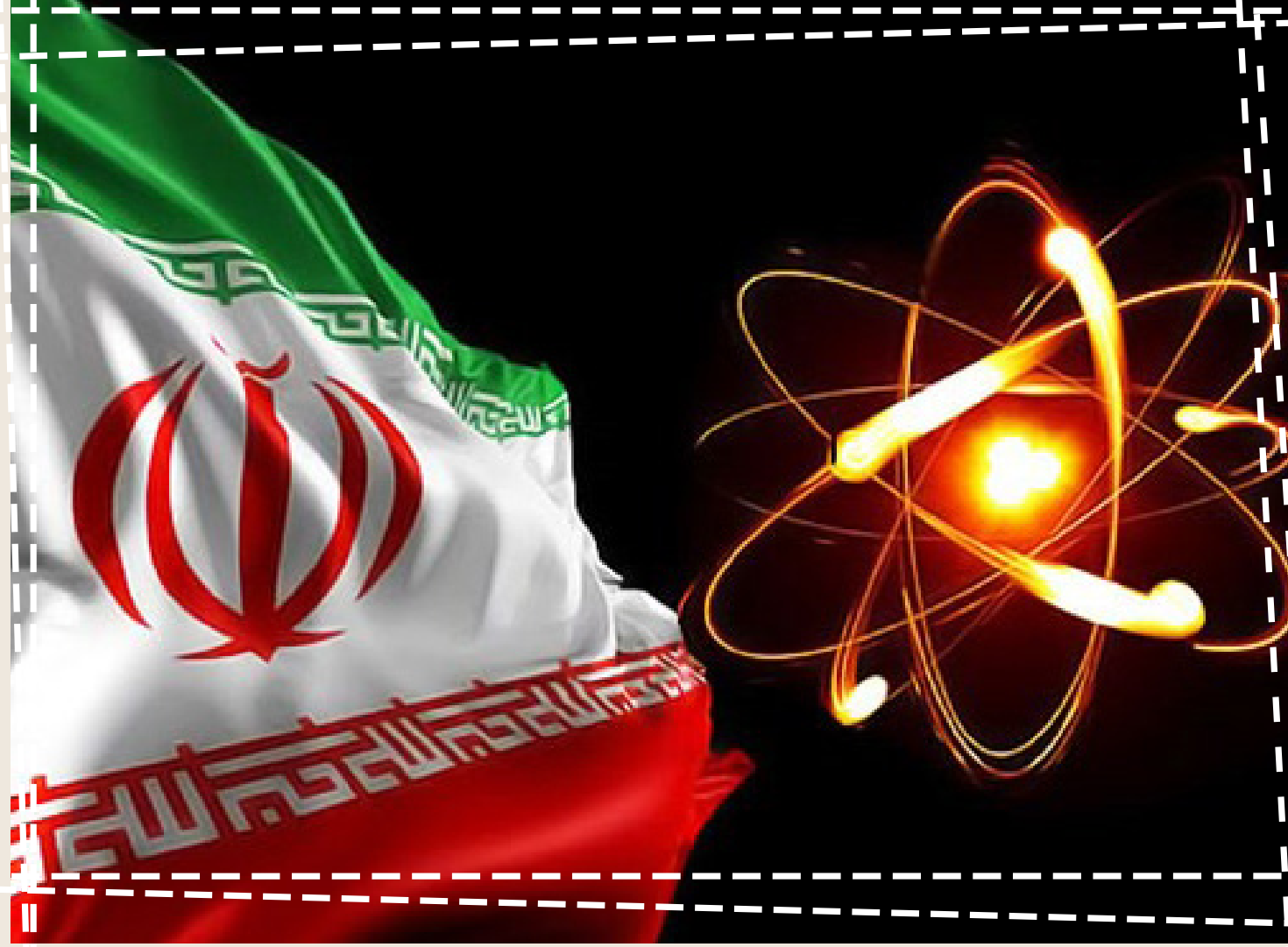


آن این که... جمهوری‌های سوسیالیستی، جمهوری‌های به سبک دموکراسی غربی به انواع واقسامش هیچ‌کدام چیز جدیدی نیست؛ اصل جمهوری هم چیز جدیدی نبود اما آن جمهوری‌ای که مبانی و ارزش‌های اساسی‌اش و قواعد اصلیش از اسلام گرفته شده این بی‌نظیر است.

یک خصوصیت دیگر هم در روز جمهوری اسلامی ما هست و آن این که آن روز عید فقط ما مردم ایران نیست، بلکه عید همهٔ کسانی می‌تواند باشد که مسلمانند. آن‌ها عادت کرده‌اند که اسلام را در حال دفاع، در موضع انفعال، در حال انزوا ببینند. آن وقتی که یک ملتی در موضع تهاجم به قدرت‌های سلطه‌گر و تهاجم به نظام‌های بشری ناقص قرار می‌گیرد و اعلان یک جمهوری براساس اسلام می‌کند، این برای همهٔ ملت‌های مسلمان مایهٔ مباهات و سربلندی است.^۱

۱. مصاحبه دربارهٔ روز دوازدهم فروردین، ۱۳۶۴/۰۱/۱۰.





۲۰ فروردین - روز ملی فناوری هسته‌ای

آیه محوری



﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾؛ «پس، از پی دشواری آسانی است. مسلماً از پی دشواری آسانی است.»

۱. سوره مبارکه شرح/ ۵ و ۶.

دربارهٔ مناسبت



در بیست فروردین ماه سال ۱۳۸۵ با تکمیل موفقیت آمیز چرخهٔ کامل سوخت هسته‌ای، دانشمندان توانمند ایرانی به آرزوی دستیابی به یکی از پیچیده‌ترین علوم روز دنیا جامهٔ عمل پوشاندند و جمهوری اسلامی ایران با خودباوری و استقلال، پا به عرصه‌ای گذاشت که «منطقهٔ ممنوعه» قدرت‌های جهانی به شمار می‌رفت.

سال‌ها تلاش شد تا با تحریم‌های گسترده، ایجاد موانع سنگین، ترور اندیشمندان و حتی دست‌یازی و تجاوز آشکار به حریم این مرزوبوم، این فناوری اقتدارآفرین در انحصار عده‌ای معدود باقی بماند؛ این کینه‌توزی‌ها و تجاوزات، واکنش مستأصلانهٔ دشمن در برابر پیشرفت‌های شگرف و استقلال‌طلبی ملت ماست و دانشمندان ایرانی با اراده‌ای پولادین، توکل بر عنایات الهی و تکیه بر دانش بومی، خط بطلانی بر این انحصارطلبی استکبار کشیدند. این دستاورد عظیم ثمرهٔ تلاش‌های شبانه‌روزی و بی‌وقفهٔ جهادگران گمنام عرصهٔ علم بود که علی‌رغم تمام محدودیت‌ها، مسیر پرفرازونشیب خودکفایی را پیمودند. شتاب‌دهی به فعالیت‌ها، بومی‌سازی اقلام استراتژیک و کاربرد پرتوها



در زندگی روزمره مردم از جمله دستاوردهای این فناوری است. این روز تجلی اراده، غیرت و استقامت ملتی است که شعار «ما می‌توانیم» را به منصفه ظهور رسانده است.

ارتباط آیه و مناسبت



سخنان الهی به در پی بودن آسانی پس از دشواری صرفاً برای تسلی خاطر نیست؛ این استقامت و پایداری یقیناً افق‌های روشنی را خواهد گشود. وقتی دشمن، سراسیمه و مستأصل از بیداری و حرکت پیش رونده ملت، تمام ابزارهای کینه‌توزی، تحریم و حتی تجاوز را به میدان می‌آورد، در واقع به عجز خود در برابر پیشرفت خیره‌کننده ما اعتراف کرده است. آن‌ها بر نمی‌آشوبند چون ما ضعیفیم - که اگر بودیم، همچون رژیم منحوس پهلوی و گاوهای شیرده حاشیه خلیج فارس غلام حلقه به‌گوشش بودیم - بلکه هجمه می‌آورند چون ما با باورمندی به خدای متعال و با استقلال، حصار انحصاری را شکسته‌ایم و وارد منطقه ممنوعه‌ای شده‌ایم که پایه‌های هژمونی آنان را به لرزه در آورده است.

این فشارهای همه‌جانبه و تقابل‌های سخت، دقیقاً همان «عسر» و گردنه صعب‌العبوری است که عبور از آن، بهای



رسیدن به قلعه‌هاست. دشواری‌هایی که بر این ملت
تحمیل شده و می‌شود، یک رنج بی‌حاصل نبوده و نیست؛
بلکه رنج مقدسی است از جنس تاوان آزادگی و پیشرفت.
ما این سختی را به جان خریده‌ایم و با صلابت از میان آتش
کینه دشمن عبور خواهیم کردیم تا نسل‌های فردای این
آب‌و خاک رعیت و جیره‌خوار قدرت‌های بیگانه نباشند؛
سرافرازانه زیست کنند، سربندگی جز در آستان قادر متعال
فرو نیاورند و به چشم خویش ببینند که چشمه‌های زلال
همواره از دل سخت‌ترین سنگ‌ها می‌جوشند.

کلام معصوم



النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَ أَنَّ الْفَرْجَ مَعَ
الْكُرْبِ وَ أَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا.»^۱

رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «با هر دشواری آسانی است و بدان
که نصرت و یاری خدا در صبر است. چون صبر کنی
به مقصود می‌رسی و چون غم و اندوه دهد بعد آن
فرح و رستگاری می‌دهد.»

۱. من لا يحضره الفقيه؛ ج ۴، ص ۴۱۲.

سخن رهبر شهید ^{رحمة الله عليه} عس

این هیاهویی که بر سر مسئله هسته‌یی راه انداخته‌اند از روی سراسیمگی است؛ دستپاچه‌اند. دستگاه سلطه نمی‌خواهد، نمی‌پسندد که غیر از محدوده خودشان، قدرت فناوری و قدرت علمی - آن هم به صورت مستقل و ناوابسته - در اختیار ملت‌ها قرار بگیرد. حالا که می‌بینند یک ملت بدون تکیه به آن‌ها توانسته است یک فناوری فاخر علمی را به دست بیاورد، ناراحتند. به دروغ، رئیس‌جمهور آمریکا و دیگران، مرتب از سلاح اتمی اسم می‌آورند؛ این برای توجیه موضع خشمگینانه خودشان هست؛ والا می‌دانند که در این جا مسئله، مسئله سلاح اتمی نیست؛ مسئله استقلال یک ملت است.

... چرا ملت‌ها بایستی تسلیم اراده کسانی باشند که جز به اعمال زور و اعمال قدرت و اعمال سلطه، به چیز دیگری راضی نیستند؟ آن‌ها برای ملت‌ها، برای علم و برای اخلاق در سطح بشری، هیچ ارزشی قائل نیستند. ... آن‌ها می‌خواهند ملت ایران این فناوری را نداشته باشد؛ یعنی وابسته و عقب باشد تا فاصله بین ملت‌های سلطه‌گر و دیگر ملت‌ها هرگز کم نشود. معلوم است که این حرف

برای ملت ایران قابل شنیدن نیست، قابل تحمل نیست. این ملت را با دورانی که سفیر آمریکا و سفیر انگلیس در تهران با محمدرضا شاه می‌نشستند و می‌گفتند و او ناگزیر بود عمل کند و عمل می‌کرد، نمی‌شود مقایسه کنند؛ آن دوران، گذشت. امروز این ملت، وسط میدان آمده است؛ امروز مسئولان ملت، مظهر ارادهٔ مردم و مظهر خواست این ملتند و باید مظهر اقتدار این ملت هم باشند. اگر مسئولانی بر سر کار باشند که نتوانند اقتدار ملی و عزت این ملت را نشان بدهند، نمایندهٔ این ملت نیستند... آن کسانی که منتظرند ملت ایران از خود ضعف نشان بدهد، بدانند که ملت ایران در مسیر عزت و اقتدار ملی و استقلال خود، در مقابل هیچ تهدیدی ضعف نشان نخواهد داد. و تجربهٔ بیست و هفت سالهٔ ما، تجربهٔ انقلاب، تجربهٔ دوران دفاع مقدس و تجربه‌های بعدی، همه، همین حقیقت را به ما تفهیم می‌کند و برای ما تکرار می‌کند که اقتدار ملی این کشور و این ملت را نباید دست‌کم گرفت.

قدرت‌های سلطه‌گر ابزار زیاد و گزینه‌های متعددی در اختیار ندارند؛ استکبار با تشر راه خود را باز می‌کند. مهم‌ترین ابزار استکبار تشر و اخم است. اگر دولت‌های اسلامی، دولت‌های جهان سوم و ملت‌ها قدر قدرت خودشان را

بدانند، این ابزار ناکارآمد خواهد شد. ملت ایران قدر خود
را دانسته است.^۱

۱. بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی، ۱۳۸۴/۱۱/۱۸.





۲۰ فروردین - روز هنر انقلاب اسلامی

آیه محوری



﴿وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ * أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ * وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا﴾^۱؛ «و گمراهان از پی شاعران می روند. آیا نمی بینی که آن ها خود به هر وادی سرگردانند؟ و چیزهایی گویند که خود عمل نمی کنند؟ مگر کسانی

۱. سوره مبارکه شعراء/ ۲۲۴-۲۲۷.



که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می‌دهند و خدا را بسیار یاد می‌کنند، و هنگامی که مورد ستم واقع شوند به دفاع از خویشتن (و مؤمنان) برمی‌خیزند (و از شعر در این راه کمک می‌گیرند).»

دربارهٔ مناسبت



«پندار ما این است که ما مانده‌ایم و شهدا رفته‌اند، اما حقیقت آن است که زمان ما را با خود برده است و شهدا مانده‌اند.»

بیستم فروردین ماه سال ۱۳۷۲، رمل‌های تفتیدهٔ فکه، مقتل مردی شد که هنر را از تاریخ‌خانهٔ نفسانیات و سراب فریبندهٔ مدرنیته بیرون کشید تا آینه‌دار خورشید حقیقت باشد. سیدمرتضی آوینی، راوی محزون و باصفای «روایت فتح» و سردبیر مجلهٔ «سوره»، در جست‌وجوی معبر آسمان پا بر مینی‌نهاد که دروازهٔ وصال او به کاروان کربلا بیان شد. با پیشنهاد حوزهٔ هنری به محضر رهبر شهید انقلاب رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، سالروز این عروج سرخ به نام «روز هنر انقلاب اسلامی» در تقویم ثبت شد.

آوینی، متولد ۱۳۲۶ در شهرری، روزگاری معماری هندسه‌های



خاکی را در دانشگاه تهران می‌آموخت؛ اما با دمیده شدن نفخهٔ صور انقلاب اسلامی، معماری کاشانه‌های خاکی را رها کرد تا راوی آستان آسمان شود. او انقلاب اسلامی را نه صرفاً یک رخداد سیاسی که رستاخیزی و حیانی در برابر جاهلیت تاریک غرب می‌دانست. نگاه «سید شهیدان اهل قلم» به هنر، دنیایی متفاوت از شعار منحرف «هنر برای هنر» داشت. او معتقد بود که هنرمند اگر خود را در انوار الهی فانی کند، این نور در آثارش متجلی خواهد شد. هنر انقلاب از منظر او هنری است متعهد، اخلاق‌مدار، واقع‌گرا و ایستاده در خدمت حقایق. او با همراهی جوانانی به غیر میراث‌مانده از طاغوت، خط بطلانی بر زیبایی‌شناسی اومانیستی و تکنیک‌های وارداتی کشید و در بیش از ۸۰ مستند اشرافی، از جمله «شهری در آسمان» و مجموعهٔ بی‌بدیل «روایت فتح»، جنبه‌های باطنی دفاع مقدس را با فلسفهٔ عرفان شیعی درآمیخت و سلوک معرفتی بسیجیان را به تصویر کشید.

آثار مکتوب او -از «فتح خون» که مرثیه‌ای حماسی در رثای سیدالشهدا علیه السلام است، تا «توسعه و مبانی تمدن غرب»، «آینهٔ جادو»، «رستاخیز جان» و «حلزون‌های خانه‌به‌دوش» - همگی نشان از اندیشمندی دارد که می‌کوشید تا نسبت

انسان مؤمن معاصر را با هنر و تکنولوژی مدرن روشن سازد.

ارتباط آیه و مناسبت



هنر برآمده از تمدن غرب و زیبایی شناسی اومانیستی، هنری است گرفتار در تاریخ خانهٔ نفسانیات. هنرمند بریده از عهد ازلی که در وادی حیرت و اوهام خویش سرگردان است و کلامش، چیزی جز بازتاب نفس اماره و خیال پردازی‌های بی‌بنیاد نیست. این هنرمند مخاطبان خویش را نیز به مسلخ غفلت می‌برد. این، همان آینهٔ جادویی مدرنیته است که انسان را غرق می‌کند تا یاد خدا را از خاطر ببرد.

اما، رستاخیز هنر انقلاب اسلامی در آیهٔ پایانی تجلی می‌یابد. هنرمند مؤمن بت نفس را شکسته و هنر را از اسارت اوهام شیطانی رهانیده است. او هنر خویش را به چشمه‌سار «ذکر» پیوند زده است؛ چرا که دریافته است هنر جز تجلی انوار حق در کالبد فرم نیست. اگر هنرمند، وجود خویش را در خدا فانی کند، لاجرم آثارش نیز آینه‌دار خورشید خواهد شد.

و در زمانه‌ای که طواغیت جهان شمشیر بر پیکرهٔ حق کشیده‌اند، هنرمند متعهد نمی‌تواند در برج عاج تخیلاتش



بیاساید؛ دوربین و قلم سلاح جهاد اوست و هنرش نه یک تفنن روشنفکرانه، که زبان گویای حقیقت در برابر شب‌پرستان؛ و این چنین است که «ثبت است بر جریدهٔ عالم دوام» او.

کلام معصوم



النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ مُجَاهِدٌ بِسَيْفِهِ وَلِسَانِهِ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَكَأَنَّمَا يَنْضَحُونَهُمْ بِالنَّبْلِ»^۱

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «همانا مؤمن با شمشیر و زبانش (بیان و هنرش) جهاد می‌کند؛ قسم به آن که جانم در دست قدرت اوست، (هنرمند جبههٔ حق با کلام خود) گویی دشمنان را با تیرباران از پای درمی‌آورد.»

عزم سخن رهبر شهید رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ

شگی نیست آن کسانی که تفکرات غلط یا انگیزه‌های غلط یا اهواء غلط دارند، از هنر استفاده خواهند کرد. هنر یک چیزی است که همهٔ ذی‌شعورهای عالم - یعنی عامل و مستمع - می‌خواهند از آن استفاده کنند؛ چه با به‌کاربردن

۱. تفسیر نور الثقلین؛ ج ۴، ص ۷۰.



آن، چه با التذاذ به آن. اصلاً در دنیا کسی وجود دارد که صاحب عقل باشد و نخواهد از هنر استفاده بکند؟ یکی از انواع استفاده هم این است که یک نفری یک اندیشه ناپاکی را با یک وسیله هنری در ذهن‌ها بریزد... مثل پول و سلاح که صاحبان اندیشه‌های ناپاک و روش‌های ناپاک از آن‌ها استفاده می‌کنند. جلوی این را نمی‌شود گرفت؛ این هست. آن کاری که می‌شود کرد این است که ما بیاییم آن چیزی را که صاحب اندیشه ناپاک می‌خواهد از آن استفاده بکند یا کرده، در اختیار سرپنجه مقتدر اندیشه مقدّس و پاک و والا قرار بدهیم؛ والا اگر آن اندیشه پاک و مقدّس و والا نتوانست از این مایه استفاده کند، عقب خواهد ماند. ... باید کوشش کنید مایه هنری را غلیظ کنید تا بتوانید این اندیشه مقدّس را، این روح پاک امروز دنیا را یعنی انقلاب اسلامی که مثل یک روح پاکی و مثل یک اندیشه معصومی در دنیای ناپاک افکار غلط در روزگار سیاه ما دارد بالأخره جای خودش را در دنیا باز می‌کند [پیش ببرید].

... صاحب مسئله خود خدا است که دارد این فکر را پیش می‌برد؛ این، سنّت‌های الهی است... سنّت الهی در تاریخ اقتضا می‌کرد که تفکر اسلامی و اندیشه پاک الهی در یک نوبتی رو بیاید؛ و معلوم می‌شود آن نوبت آغاز شده. یکی از

نشانه‌هایش ما هستیم؛ یکی از نشانه‌هایش لبنان است؛ یکی از نشانه‌هایش آفریقا و کشورهای گوناگون اسلامی است؛ یکی از نشانه‌هایش احساس ضعف دنیا در مقابل تفکر الهی و توحیدی است که وجود دارد و دارد به وجود می‌آید... در این حرکت عظیم و در صف‌آرایی بین این فکر پاک و مقدّسی که در دنیا به وجود آمده [یعنی] فکر انقلابی و فکر توحیدی و فکر الهی، و فکر شیطانی و اهریمنی، اهل هنر... باید این هنر را و این مایهٔ هنر را به کار ببرند و غلیظ کنند و شاعر و نویسنده و هر هنرمند دیگری، در خدمت این تفکر مقدّس قرار بگیرند؛ یعنی از هنر، از مایهٔ هنر و ابزار هنر حداکثر استفاده را بکنند.

... پیغمبر اسلام از همهٔ ابزارها استفاده کرده برای حمل همین فکری که شما دنبالش هستید؛ حتی از ابزار هنر، آن هم در راقی‌ترین و فاخرترین حله و پوشش خودش، یعنی قرآن... از اوّل تا آخر قرآن را که شما ملاحظه بفرمایید... خواهید دید توحید در همهٔ این کلمات موج می‌زند... یعنی آن اصول اسلامی و چیزهایی که پایه‌های انقلاب است، در تمام اوّل تا آخر قرآن و اوّل تا آخر ادبیات اسلام... موج می‌زند.

... دیگرانی هم که هنرمندند... باید بدانند که حقیقتاً آن

هنر حیف است، آن سرمایه خیلی دریغ است که در راه
چیزی غیر از راه خدا و معنویت و انقلاب و نجات انسان‌ها
و کمک به محرومین و مستضعفین به کار برود.^۱

۱. بیانات دردیدار جمعی از مدیران، نویسندگان و هنرمندان حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی،
۱۳۶۸/۰۸/۲۱.



مناسبت‌های قمری

۱ شوال: عید فطر

۸ شوال: سالروز تخریب بقیع توسط وهابیان

۱۵ شوال: درگذشت عبدالعظیم حسنی

۲۵ شوال: شهادت امام جعفر صادق علیه السلام



اشوال - عید فطر

آیه محوری



﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى* وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى﴾؛ «رستگار شد
آن کس که خویش پاک گردانید؛ و نام پروردگارش
را یاد کرد و نماز گزارد.»

۱. سوره مبارکه اعلیٰ/ ۱۴ و ۱۵.



دربارهٔ مناسبت



عید فطر، مصادف با نخستین روز ماه شوال، از بزرگ‌ترین اعیاد اسلامی‌ست که توسط مسلمانان سراسر جهان جشن گرفته می‌شود. این روز نمادی از شکرگزاری پس از یک ماه امساک و روزه‌داری‌ست.

واژهٔ «عید» در لغت از ریشهٔ «عود» (به معنای بازگشت) مشتق شده است. فلسفهٔ نام‌گذاری عید سعید فطر آن است که انسان مؤمن پس از یک ماه تزکیهٔ نفس و بندگی، به صفا و پاکی فطرت نخستین خویش بازمی‌گردد و آلودگی را از روح و روان خود می‌زداید.

در این روز سعید روزه‌گرفتن حرام است و همچنین، پیش از اقامهٔ نماز عید، پرداخت زکات فطریه بر سرپرست خانوار واجب است. از دیگر آداب این روز می‌توان به غسل و اقامهٔ «نماز عید فطر» به صورت جماعت در صبح روز عید اشاره کرد که نشانگر همبستگی مسلمانان است. مناجات‌های خاصی نیز برای این روز ذکر شده است که از برجسته‌ترین آن‌ها، دعای چهل و ششم صحیفهٔ سجادیه است.



ارتباط آیه و مناسبت



در آیات چهاردهم و پانزدهم سوره مبارکه اعلیٰ مسیر رستگاری ترسیم شده است: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ * وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ﴾؛ «تزکیه»، «ذکر» و «نماز».

بسیاری از مفسران، مصداق این توالی را اعمال روز عید سعید فطر بیان کرده‌اند؛ مؤمن روزه‌دار پیش از اقامه نماز عید، زکات فطریه خود را پرداخت می‌کند و در این روز تکبیر می‌گوید. «تَزَكَّىٰ» همان طهارت مالی زکات فطریه، «ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ» همان تکبیرهای روز عید، و «فَصَلَّىٰ» همان نماز باصلابت عید.

با این حال، باید دقت داشته باشیم که «تزکیه» را در حصار این مصداق محدود نسازیم. تزکیه گستره‌ای به‌اندازه تمامی ساحات وجودی و رفتاری آدمی را در بر می‌گیرد؛ از پالایش روح از رسوبات شرک و رذائل اخلاقی گرفته، تا تطهیر عمل از شائبه ریا. اطلاق مفهوم تزکیه در این مورد، ریشه در این دارد که گذشتن از مال پیش‌نیازهایی از تعلقات است؛ چنان‌که در آیه ۱۰۳ سوره توبه آمده: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾؛ «از اموال آن‌ها صدقه‌ای (به‌عنوان زکات) بگیر، تا به وسیله آن، آنان را پاک سازی و پرورش دهی.»



کلام معصوم



النَّبِيِّ الْأَكْرَمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَإِذَا صَارَتْ لَيْلَةُ عِيدِ الْفِطْرِ وَ تُسَمَّى لَيْلَةَ مَنَحِ الْجَوَائِزِ، يُكَافِي اللَّهُ تَعَالَى الْعَامِلِينَ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْمُبَارَكِ بِلَا حِسَابٍ، فَإِذَا صَارَ صَبَاحُ الْعِيدِ أَرْسَلَ اللَّهُ مَلَائِكَةً كَثِيرِينَ إِلَى جَمِيعِ الْبِلَادِ يَأْتُونَ إِلَى الْأَرْضِ يَقِفُونَ عَلَى رُءُوسِ الْأَزْقَةِ وَالْأَسْوَاقِ وَالطُّرُقَاتِ وَيَقُولُونَ: يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَخْرُجُوا إِلَى رَبِّ كَرِيمٍ يَهَبُ الْعَطَايَا الْجِسَامَ وَيَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ، فَإِذَا ذَهَبُوا إِلَى الْمُصَلَّى لِأَدَاءِ صَلَاةِ الْعِيدِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِلْمَلَائِكَةِ: يَا مَلَائِكَتِي مَا هُوَ جَزَاءُ الْعَامِلِ الَّذِي عَمِلَ مِنْ أَجْلِي؟ فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبَّنَا وَسَيِّدَنَا! جَزَاؤُهُ أَنْ تُوفِّيَهُ أَجْرَهُ. فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَشْهَدُكُمْ يَا مَلَائِكَتِي أَنِّي جَعَلْتُ ثَوَابَ صِيَامِ أَيَّامِ رَمَضَانَ وَقِيَامِ لَيْالِيهِ أَنِّي رَضِيتُ عَنْهُ وَ غَفَرْتُ ذُنُوبَهُ.

ثُمَّ يُنَادِي الْمُؤْمِنِينَ الْحَاضِرِينَ ذَلِكَ الْجَمْعَ: يَا عِبَادِي سَلُوا مَا شِئْتُمْ، فَبِعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا مِنْ حَاجَةٍ فِي هَذَا الْجَمْعِ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا قَضَيْتُهَا وَ سَتَرْتُ عُيُوبَكُمْ حَتَّى لَا



تُدَبِّرُوا عَنِّي، وَأَضَاعِفُ لَكُمْ الْأَجْرَ، وَلَا أَفْضَحُكُمْ بَيْنَ
الْمُذْنِبِينَ، عُدُّوا مِنِّ مُصَلَّاتِكُمْ مَغْفُورًا لَكُمْ فَإِنَّكُمْ
أَرْضَيْتُمُونِي وَرَضِيْتُ عَنْكُمْ فَتَفْرَحُ الْمَلَائِكَةُ وَ يُبَارِكُ
بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ بِالَّذِي أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى لِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»^۱

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «پس چون شب عید فطر فرا
رسد - که «شب جوایز» نامیده می‌شود- خداوند
متعال به عمل‌کنندگان در این ماه مبارک، پاداشی
بی‌حساب عطا می‌فرماید. پس هنگامی که صبح
عید فرارسد، حق تعالی فرشتگان بسیاری را به
جميع شهرها می‌فرستد. آنان به زمین فرود می‌آیند
و بر سر کوچه‌ها، بازارها و گذرگاه‌ها می‌ایستند و ندا
می‌دهند: «ای امت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ! به سوی پروردگاری
کریم بشتابید که عطایای فراوان می‌بخشد و گناهان
عظیم را می‌آمرزد.» پس آن‌گاه که [مردم] برای ادای
نماز عید به سوی مصلی (نمازگاه) می‌روند، خداوند
متعال به فرشتگان می‌فرماید: «ای فرشتگان من!
پاداش کارگری که برای من کار کرده است چیست؟»

۱. زاد المعاد؛ ج ۱، ص ۱۲۴.

فرشتگان عرض می‌کنند: «ای پروردگار و آقای ما! پاداش او این است که مزدش را به تمامی پرداخت کنی.» پس خداوند متعال می‌فرماید: «ای فرشتگان من، شما را گواه می‌گیرم که من پاداش روزه‌داری روزهای رمضان و شب‌زنده‌داری شب‌های آن را این قرار دادم که از آنان خشنود گشتم و گناهانشان را آمرزیدم.» سپس مؤمنان حاضر در آن جمع را ندا می‌دهد: «ای بندگان من! هرچه می‌خواهید درخواست کنید؛ پس به عزت و جلالم سوگند، در این اجتماع هیچ حاجت دنیوی و اخروی از من نمی‌خواهید مگر آن‌که آن را برآورده می‌سازم. و عیب‌هایتان را می‌پوشانم تا زمانی که از من روی نگردانید، و پاداشتان را دوچندان می‌کنم و شما را در میان گناهکاران رسوا نمی‌سازم. از نمازگاه خود در حالی که آمرزیده شده‌اید بازگردید؛ چرا که شما مرا خشنود کردید و من نیز از شما خشنود شدم.»

پس فرشتگان شادمان می‌شوند و به خاطر آنچه خداوند متعال به امت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عطا فرموده است، به یکدیگر بشارت و تبریک می‌گویند.»

عید سعید سخن رهبر شهید رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ

گذراندن ماه رمضان با عبادت، با روزه‌داری، با توسل و ذکر و خشوع و ورود در روز عید فطر، برای مؤمن یک عید به معنای حقیقی است. این عید از جنس جشن‌های مادی دنیوی نیست؛ این عید رحمت خداست؛ این عید مغفرت الهی است؛ این عید شکر و سپاس مردمی است که موفق شده‌اند ماه رمضان را با عبادت حق و با ورود در ضیافت پرشکوه الهی به سلامت و عافیت بگذرانند و در ماه رمضان در حد وسع و توان و امکان خود، از ذکر و دعا و توسل و خشوع و روزه و نماز بهره ببرند. این عید مسلمانانی است که پایان یک دورهٔ عبادت و ریاضت را با امید مغفرت و پاداش الهی به روز فطر رسانده‌اند.

در روایتی است از شوید بن غفله - که از دوستان امیرالمؤمنین است - ... که می‌گوید روز عید فطر در خانهٔ امیرالمؤمنین بر او وارد شدم. «فاذا عنده فاثور ای خوان»؛ در مقابل او سفره‌یی گسترده شده بود و حضرت مشغول غذا خوردن بودند. «و صحفة فیها خطیفة و ملبنة»؛ غذای بسیار متواضعانه‌یی در مقابل حضرت گذاشته شده بود. «خطیفة» غذایی است که در حداقل امکان برای کسی تهیه می‌شود؛ مثلاً مقداری شیر و مقداری آرد مخلوط می‌کردند؛ غذای کاملاً فقیرانه.

«فقلت یا امیرالمؤمنین یوم عید و خطیفة؟»؛ عرض کردم یا امیرالمؤمنین! شما روز عید چنین غذای کم‌اهمیت و کم‌ارزشی می‌خورید؟ معمول این است که در روزهای عید، مردم بهترین غذاهای خود را می‌خورند؛ شما به این غذا اکتفا کردید؟ «فقال: انّما هذا عید من غفر له»؛ فرمود امروز، روز عید است؛ اما برای کسانی که مورد مغفرت الهی قرار گرفته باشند. یعنی عید بودن امروز به خوردن غذاهای رنگین و دل‌خوش کردن به شادی‌های کودکانه نیست؛ این عید واقعی است برای کسانی که بتوانند و توانسته باشند مغفرت الهی را برای خودشان تحصیل کنند. در یک جمله دیگر امیرالمؤمنین فرمود: «انّما هو عید لمن قبل الله صیامه و شکر قیامه»؛ عید فطر، عید است برای کسی که خدا روزه او را مورد قبول قرار دهد و نماز و عبادت او را مورد شکر و سپاس خود قرار دهد. «و کلّ یوم لا یعصى الله فیه فهو یوم عید»؛ آن روزی که من و شما این توفیق را پیدا کنیم که هیچ معصیتی از ما سر نزند، روز عید و شادمانی است. البته گفته شده است در عید فطر به یکدیگر تحیت بگویید؛ لباس‌های تازه خود را بپوشید؛ آن روز را روز عید و شادمانی بدانید؛ اما جوهر این عید عبارت است از توجه به معنویت و طلب مغفرت و درخواست رحمت پروردگار!

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳/۰۸/۱۳۸۴.





۸ شوال - سالروز تخریب بقیع توسط وهابیان

آیه محوری



﴿قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا﴾^۱
«آن‌ها که از رازشان آگاهی یافتند (و آن را دلیلی
بر رستاخیز دیدند) گفتند: «ما مسجدی در کنار
(مدفن) آن‌ها می‌سازیم (تا خاطرهٔ آنان فراموش
نشود).»

۱. سورهٔ مبارکهٔ کهف/۲۱.



دربارهٔ مناسبت



تعظیم نشانه‌های پروردگار ریشه در عمق ایمان دارد؛ آنجا که می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُعْظِمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾؛ با این وجود، پیروان فرقه وهابیت در هشتم شوال سال ۱۳۴۴ هجری قبرستان بقیع، مدفن چهار تن از امامان شیعه و مقبرهٔ بسیاری از صحابه و تابعین، را ویران نمودند؛ این روز تلخ با عنوان «یَوْمُ الْهَدْمِ» (روز تخریب) شناخته می‌شود. این رویداد نشئت‌گرفته از کج‌روی فکری، تحجر، نفوذ استعمار و تقابل آن‌ها با سنت‌های اصیل اسلامی بود.

بقیع مهم‌ترین قبرستان مسلمانان در مدینه است که بنا بر روایات متواتر، همواره مورد توجه ویژه شخص پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قرار داشت. تا پیش از تسلط وهابیان بر حجاز، بقعه‌ها و بارگاه‌های باشکوهی بر قبور ائمهٔ بقیع و دیگر بزرگان دین استوار بود.

نخستین موج تخریب در سال ۱۲۲۰ هجری قمری رقم خورد؛ زمانی که وهابیان پس از یک سال و نیم محاصرهٔ ظالمانه و ایجاد قحطی در مدینه، شهر را اشغال کردند.

۱. سورهٔ مبارکهٔ حج/۳۲.



به دستور «سعود بن عبدالعزیز»، اموال خزانه‌های حرم نبوی غارت شد و تمامی بناها و گنبد‌های مدینه، از جمله بارگاه چهار امام شیعه و گنبد منسوب به حضرت زهرا علیها السلام (بیت‌الاحزان) ویران گردید. با این حال، پس از بازپس‌گیری مدینه توسط دولت عثمانی، سلطان محمود دوم در سال ۱۲۳۴ هجری قمری دستور بازسازی این اماکن مقدس را صادر کرد و گنبد‌ها بار دیگر برافراشته شدند.

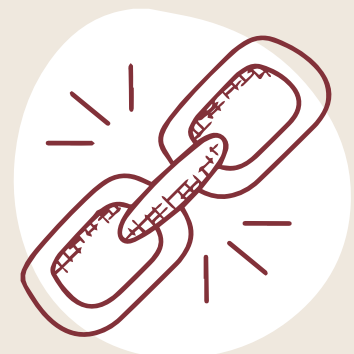
هجوم دوم و نهایی وهابیان در صفر سال ۱۳۴۴ هجری قمری آغاز شد که خساراتی را به حرم نبوی و دیگر اماکن مذهبی وارد ساخت. در ماه رمضان همان سال، «شیخ عبدالله بن بُلَیْهَد»، قاضی‌القضات وقت سعودی، وارد مدینه شد. وی با اعمال فشار و استفتائی هدفمند از ۱۵ تن از مفتیان مدینه، حکمی مبنی بر ممنوعیت ساخت بنا بر روی قبور دریافت کرد. سرانجام با اتکا به این فتوا، در هشتم شوال، تمامی آثار تاریخی و بقعه‌های بقیع با خاک یکسان شد. اسناد تاریخی نشان می‌دهد که ملک عبدالعزیز، پادشاه وقت سعودی، طی نامه‌ای در ۱۲ شوال، از این اقدام قاضی‌القضات خود تجلیل کرد. این در حالی است که بر اساس باور مشهور اهل سنت و شیعیان، زیارت قبور بزرگان دین نه تنها با توحید و اعتقادات اسلامی

در تضاد نیست، بلکه امری مستحب و ریشه‌دار از صدر اسلام تا به امروز به شمار می‌رود.

پس از این رویداد، موجی از بهت، خشم و انزجار پهنه جهان اسلام - از ایران و عراق تا پاکستان و حتی کشورهای شوروی سابق - را برانگیخت. دولت وقت ایران یک روز عزای عمومی اعلام کرد و روند به رسمیت شناختن کشور تازه تأسیس سعودی را به نشانه اعتراض، سه سال به تعویق انداخت.

در حوزه‌های علمیه، مراجع بزرگی چون آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی با تعطیل کردن دروس و بازارها، این فاجعه را محکوم کردند. عالمان شیعه در کنار اعتراضات، برای دفاع از عقاید اسلامی به نگارش کتب و آثاری در نقد مبانی وهابیت و رد ادعای آنان پرداختند.

ارتباط آیه و مناسبت



در طول قرن‌ها، تکریم جایگاه اولیای الهی به منزله پاسداشت شعائر الهی و حفظ موازین معنوی بود که برگرفته از آیات قرآن - به ویژه درباره اصحاب کهف - و سیره و سنت بزرگان دین بود. بنای مسجد و عبادتگاه بر مدفن

صالحان نه تنها مغایر با غایت توحید نیست، بلکه محملی برای امتداد یاد و تجلی هدایت آنان در بستر زمان است. با این وجود، در سده‌های اخیر شاهد ظهور جریان‌های انحرافی و کج‌اندیشی هستیم که با رویکردی قشری و تقلیل‌گرایانه، درک از حقایق توحیدی را به سطحی‌ترین لایه‌های ظاهری فروکاسته‌اند. فاجعه تخریب بقیع تجلی عینی این انحطاط معرفت‌شناختی بود. فرقه وهابیت، با چشم‌پوشی از براهین متقن قرآنی، پارادایم‌های موهوم و جمود فکری خود را جایگزین منطق و حیانی می‌سازد و به نام تنزیه عقاید، تیشه ویرانی بر ریشه مواریث دینی می‌زند. این اقدام ستیزه‌جویانه البته فقط صرفاً یک کج‌فهمی یا خطا در ادراک مناسک نیست؛ بلکه نشان از عناد و عداوتی تاریخی با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام دارد. حضرات معصومین که در لسان وحی و روایات کشتی نجات بشریت معرفی شده‌اند و انوار وجودی‌شان چراغ راه هدایت در غوامض و ظلمات فتنه‌هاست، همواره آماج کینه‌توزی جریان‌اتی بوده‌اند که استیلای خود را در انقطاع امت از سرچشمه‌های آگاهی می‌جویند و محو آثار ظاهری و تخریب قبور مطهر ائمه هدی علیهم‌السلام در بقیع، خواست و اراده شیطان - ابلیس و استکبار - است.

کلام معصوم



أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مِنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ الْمَوَدَّةُ لَهُ فِي صَدْرِهِ إِلَى أَنْ قَالَ وَإِذَا مَاتَ فَالزِّيَارَةُ لَهُ إِلَى قَبْرِهِ.»^۱

امام صادق عليه السلام: «از جمله حقوق مؤمن بر (گردن) مؤمن، دوست داشتن او از صمیم قلب است... و زیارت قبرش پس از وفات او.»

سخن رهبر شهید رحمة الله عليه

لازم است اشاره‌ای بکنم به یک حادثه تلخی که این روزها اتفاق افتاد؛ که هم خود حادثه تلخ بود، هم حاکی از دست‌های پشت‌پرده‌ی زیادی بود؛ و آن، حادثه‌ی تخریب قبر صحابی جلیل‌القدر، حجر بن عدی (رضوان الله تعالی علیه و سلام الله علیه) و اهانت به پیکر این بزرگوار بود. از جهاتی این قضیه تلخ است: خود اهانت به یک صحابی که از بزرگان اصحاب پیغمبر است و از حواریین امیرالمؤمنین (علیه

۱. مستدرک الوسائل؛ ج ۲، ۳۶۳.



الصلاة و السلام) است و شهید در راه خدا است، قبر او را بعد از هزار و چهارصد سال بشکافند، جسد مطهر او را بیرون بیاورند و مورد اهانت قرار دهند، یک حادثه بسیار تلخ و غم‌انگیزی است. در کنار این، تلخی دیگری که وجود دارد، این است که در میان مجموعه مسلمانان و امت اسلامی کسانی پیدا شوند که با افکار پلید و متحجر و عقب‌مانده و خرافی خود، تجلیل از بزرگان و برجستگان و چهره‌های نورانی صدر اسلام را شرک بدانند، کفر بدانند؛ واقعاً این مصیبتی است. این‌ها همان کسانی هستند که گذشتگان‌شان قبور ائمه علیهم‌السلام را در بقیع ویران کردند. آن روز که در دنیای اسلام، از شبه‌قاره هند گرفته تا آفریقا علیه این‌ها قیام کردند، اگر این‌ها جرئت می‌کردند، قبر مطهر پیغمبر را هم ویران می‌کردند، با خاک یکسان می‌کردند. ببینید چه فکر باطلی، چه روحیه پلیدی، چه انسان‌های بداندیشی، احترام به بزرگان را این‌جوری بخواهند نقض کنند و هتک کنند و این را جزو وظایف دینی بشمرند!

... این‌ها به عنوان این‌که این کارها پرستش است، این اقدام‌های خبیث را می‌کنند! رفتن سر قبر یک انسانی و طلب رحمت‌کردن برای او از خدای متعال، و طلب رحمت‌کردن برای خود در آن فضای معنوی و روحانی،

شرک است؟ شرک این است که انسان بشود ابزار دست سیاست‌های اینتلیجنس انگلیس و سی.آی.ای آمریکا و با این اعمال، دل مسلمانان را غم‌دار کند، آزرده کند. این‌ها اطاعت و عبودیت و خاکساری در مقابل طواغیت زنده را شرک نمی‌دانند، احترام به بزرگان را شرک می‌دانند! خود این، یک مصیبتی است. جریان تکفیری خبیث که امروز در دنیای اسلام به برکت برخی از منابع مادی، متأسفانه پول و امکانات هم در اختیار دارند، یکی از مصائب اسلام است.

... توجه شود به این که در این کارها دست‌های پنهان دشمن نشانه‌های خودش را دارد نمایان می‌کند؛ این چیزی نیست که انسان بتواند این را ندیده بگیرد. آن‌هایی که برای تخریب یک اثر باستانی در دنیا عزا می‌گیرند و هیاهو می‌کنند، در مقابل این پدیده سکوت کرده‌اند؛ چه سازمان‌های بین‌المللی، چه شخصیت‌های بین‌المللی، چه سیاسیونی که از این کوردل‌ها دارند حمایت می‌کنند؛ این نشان‌دهنده این است که در قضیه داخلند؛ این قضیه، دست‌ها را نشان می‌دهد.^۱

۱. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات، ۱۶/۲/۱۳۹۲.





۱۵ شوال - درگذشت عبدالعظیم حسنی

آیه محوری



﴿وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَآغَمَا كَثِيرًا
 وَسَعَةً ۗ وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ
 يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا
 رَحِيمًا﴾؛ «و هر که در راه خدا هجرت کند، در زمین
 اقامتگاه‌های فراوان و گشایش‌ها خواهد یافت؛ و
 هر کس [به قصد] مهاجرت در راه خدا و پیامبر او،

۱. سوره مبارکه نساء/۱۰۰.



از خانه‌اش به درآید، سپس مرگش در رسد، پاداش او قطعاً بر خداست، و خدا آمرزندهٔ مهربان است.»

دربارهٔ مناسبت



حضرت عبدالعظیم حسنی رضی الله عنه از ستارگان فروزان آسمان ولایت‌مداری و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام هستند. ایشان در سال ۱۷۳ هجری قمری دیده به جهان گشودند. پدرش عبدالله بن علی بود و نسب عبدالعظیم با چهار واسطه به سبط اکبر پیامبر، امام حسن مجتبی علیه السلام می‌رسد و بدین سبب به «عبدالعظیم حسنی» شهرت یافته‌اند.

مشهورترین القاب ایشان «سیدالکریم» و «شاه عبدالعظیم» است که ریشه در کرامت طبع، جایگاه والای علمی و سیادت ایشان دارد. سیرهٔ عملی ایشان، تجلی کمالات حسنی در تقوا، ترویج احادیث ناب و دفاع جانانه از حریم امامت بود.

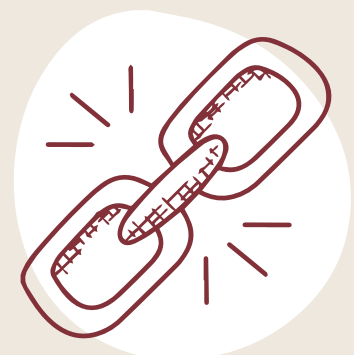
عبدالعظیم حسنی رضی الله عنه سالیان متمادی از حیات خود را در محضر امام جواد و امام هادی علیهم السلام سپری نمود. این دوران مقارن با شرایط خفقان و سرکوب شدید شیعیان توسط



حاکمان بنی عباس بود. ایشان سال‌ها تحت تعقیب بودند و گرچه در شهرهایی چون مدینه، بغداد و سامرا با تقیه می‌زیستند و عقیده خود را پنهان می‌داشتند، اما همواره مورد غضب خلفایی چون متوکل و معتز قرار داشتند.

عبدالعظیم حسنی رضی الله عنه عقاید خویش را به محضر امام هادی علیه السلام ارائه نمود تا تبعیت خویش را به امام زمانشان به اثبات برساند. شیخ صدوق در کتاب **کمال الدین** در این باره نقل می‌کند که امام هادی علیه السلام با مهر تأیید بر عقاید ایشان فرمودند: «أَنْتَ وَلِيُّنَا حَقًّا»؛ «تو به حقیقت از دوستان و یاران راستین ما هستی.» عظمت شأن و منزلت او تا بدان جاست که در روایات، ثواب زیارت مرقد مطهر ایشان در شهر ری، هم‌سنگ و برابر با ثواب زیارت سیدالشهداء علیه السلام در کربلا شمرده شده است.

ارتباط آیه و مناسبت



هجرت در راه خدا دل‌کندن از تعلقات است برای صیانت از حریم دین. این آیه شریفه، آئینه تمام‌نمای مجاهدت‌های تاریخ‌ساز حضرت عبدالعظیم حسنی رضی الله عنه است که خود را وقف مکتب اهل بیت علیهم السلام کرده بود. او در راه حفظ و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام پس از سال‌ها مجاهدت در ردای



«تقیه»، ترک وطن گفت و رنج سفری پرمخاطره به ری را به جان خرید. ورود او به ری مبدأ گشایشی برای او و مردم این سامان بود و ری را به پایگاهی برای معرفت اندوزی شیعیان بدل ساخت. پاداش این مجاهدات هارا خداوند چنان عظیم قرار داد که زیارتش، هم‌سنگ زیارت سیدالشهداء علیه السلام برشمرده شد.

کلام معصوم



عَلِيٌّ بَنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَا أَبَا حَمَّادٍ إِذَا أَشْكَلَ عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ دِينِكَ بِنَاحِيَّتِكَ فَسَلْ عَنْهُ عَبْدَ الْعَظِيمِ بَنَ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيَّ وَاقْرَأْهُ مِنِّي السَّلَامَ.»^۱

امام هادی علیه السلام در پاسخ به سؤالی: «ای اباحماد! هرگاه در منطقه خودت، چیزی از امور دینیات بر تو مشکل شد (و سؤالی برایت پیش آمد)، آن را از عبدالعظیم بن عبدالله حسنی بپرس و سلام مرا نیز به او برسان.»

۱. مستدرک الوسائل؛ ج ۱۷، ص ۳۲۱.



سخن رهبر شهید رحمة الله عليه

ری مرکز بسیار مهمی از لحاظ علمی و فرهنگی در تاریخ ماست، و سرسلسله این بزرگان هم جناب عبدالعظیم با این که اهل ری نیستند، اما حقاً و انصافاً به ری و تاریخ ری آبرو دادند و حق عظیمی به گردن همه تهرانی‌ها و اهل ری دارند.

شخصیت جناب عبدالعظیم برای اغلب مردم ناشناخته است، ایشان هم یک شخصیت علمی بود، هم یک شخصیت جهادی بوده و هم ابتکاراتی داشته است. مرحوم شیخ نجاشی می‌گوید ایشان خطب امیرالمؤمنین علیه السلام را جمع‌آوری کرد، با این حساب ایشان در حدود ۱۷۰ سال قبل از تألیف نهج البلاغه خطب امیرالمؤمنین علیه السلام را جمع‌آوری کرده است؛ این کار خیلی مهمی است، هیچ بعید نیست که سید رضی رضی الله عنه از نوشته ایشان استفاده کرده باشد.

از سوی دیگر ایشان به دلیل شخصیت جهادیشان با حال اختفا و فرار، به ری آمده بودند. شیخ نجاشی می‌گوید: «حاربنا من السلطان». ایشان از دست خلیفه عباسی از عراق و حجاز گریخت و به ری آمد. چون ری مرکز و محل تجمع شیعیان بود، ایشان این جا را مأمن خوبی برای خودشان

یافتند. شیعه و محدّث زیاد بوده‌اند - هم در مدینه، هم در عراق - اما همه این‌ها مجبور نبوده‌اند از دست خلیفه بگریزند، این مبارز بودن ایشان را نشان می‌دهد. مشخص می‌شود ایشان اهل نشر معارف امامت بوده، به خصوص در دوران حضرت جواد و حضرت هادی علیهما السلام که ایشان حداقل راوی این دو امام است... بنابراین هم شخصیت جهادپست، هم شخصیت علمیست و هم محدّث است. و حداقل از امام جواد و امام هادی علیهما السلام روایت نقل کرده است.

... تجلیل از جناب عبدالعظیم، تجلیل از علم و جهاد و زهد و تقوا است. ایشان صائم النهار و قائم اللیل بوده‌اند... حضرت هادی علیه السلام به یکی از اهالی ری که از زیارت امام حسین علیه السلام می‌آمد فرمودند: «اگر می‌رفتی عبدالعظیم را زیارت می‌کردی ثوابی که از زیارت امام حسین علیه السلام به تو داده‌اند همین را به تو می‌دادند.» ما در جوار جناب عبدالعظیم زندگی می‌کنیم، شوق کربلا هم داریم، اما کمتر توفیق پیدا می‌کنیم به زیارت این بزرگوار برویم.^۱

۱. بیانات در جمع برگزارکنندگان کنگره حضرت عبدالعظیم، ۱۳۸۲/۰۳/۰۵.



۲۵ شوال - شهادت امام جعفر صادق علیه السلام

آیه محوری



«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»
«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و با
صادقان باشید.»

۱. سوره مبارکه توبه/۱۱۹.



دربارهٔ مناسبت



حضرت ابو عبدالله، جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، ششمین پیشوای مذهب تشیع است. دوران سی و چهار سالهٔ امامت ایشان - از ۱۱۴ تا ۱۴۸ هجری قمری - با اواخر خلافت امویان و آغاز روی کار آمدن عباسیان، به ویژه خلافت سفاح و منصور دوانیقی، هم‌زمان بود. امام صادق علیه السلام با درک هوشمندانهٔ ضعف و تزلزل حکومت اموی در دوران گذار، از این فرصت تاریخی برای گسترش بی‌سابقهٔ فعالیت‌های علمی و پایه‌گذاری مکتب فقهی شیعه بهره بردند؛ به گونه‌ای که امروزه مذهب تشیع با عنوان «مذهب جعفری» نیز شناخته می‌شود.

اگرچه خلفای جور همواره فعالیت‌های ایشان را تحت نظارت شدید داشتند و منصور دوانیقی از کثرت پیروان امام علیه السلام بیمناک بود، اما امام علیه السلام با اتخاذ راهبرد «تقیه» و تشکیل مخفیانهٔ شبکه‌ای وسیع از مبلغان، پیوند میان امت و امامت را در اقصا نقاط عالم اسلامی، از عراق تا خراسان، مستحکم ساختند. تربیت قریب به چهار هزار شاگرد برجسته و تبیین صریح مسئلهٔ «امامت» برای نفی مشروعیت حاکمان غاصب، از مهم‌ترین اقدامات ایشان

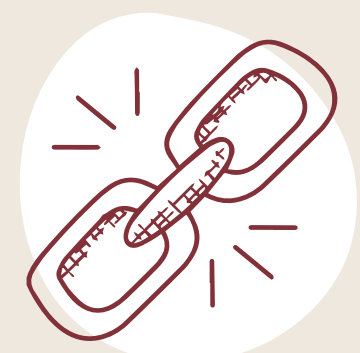


بود. جایگاه علمی آن حضرت چنان رفیع بود که حتی پیشوایان فقهی اهل سنت نظیر ابوحنیفه نیز ایشان را عالم‌ترین فرد در میان مسلمانان می‌دانستند.

نفوذ معنوی و عظمت الهی امام به حدی بود که منصور عباسی، به رغم کینه‌توزی و احضارهای مکرر ایشان به عراق برای اجرای نقشه قتل، هر بار با مشاهده کرامات عظیم و هیبت ملکوتی آن حضرت مقهور اراده الهی می‌گشت. با این حال، بغض و وحشت دستگاه خلافت از جایگاه امام پایان نیافت.

سرانجام، در ۲۵ شوال سال ۱۴۸ هجری قمری، ایشان با دسیسه منصور دوانیقی مسموم شدند و به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. پیکر مطهر ایشان با تشییعی بی‌نظیر بر روی دست‌های شیعیان داغدار، در قبرستان بقیع در کنار جد بزرگوارشان به خاک سپرده شد؛ مضجعی نورانی که اگرچه در سال ۱۳۴۴ قمری به دست کینه‌توزان وهابی ویران گشت، اما تا ابد قبله‌گاه دل‌های شیفتگان خواهد بود.

ارتباط آیه و مناسبت



مفهوم «صدق» یک شاخصه بنیادین وجودی و عقلی و نقلی است برای ولی جامعه. ولی جامعه باید از هرگونه خطا



واعوجاج مصون باشند؛ چرا که تبعیت از غیر معصوم، نقض غرض هدایت الهی است. جوهره و لبّ این آیه، انطباق آن با پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و اهل بیت عصمت و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است. با وجود مقام «صدق» در تمامی ائمه، این صفت در امام ششم، حضرت جعفر بن محمد عَلَيْهِ السَّلَامُ تجلی یافت و لقب «صادق» را به شناسه انحصاری ایشان در اذهان عامه و خاصه مبدل ساخت. دوران امامت آن حضرت، مقارن با پرتهاب‌ترین تطورات سیاسی و اوج تشتت آرا، پیدایش مکاتب نوظهور کلامی و نحله‌های انحرافی بود. در مقطعی که غاصبان خلافت با نقاب دین‌داری به تزویر می‌پرداختند و مدعیان دروغین فقاہت، با خوانش‌های التقاطی و بهره‌گیری از قیاس و استحسان، مسیر شریعت را مغشوش می‌ساختند، ضرورت تمایز میان حق و باطل ملبس به حق بیش از پیش رخ می‌نمود.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در چنین بستر غبارآلودی، با احاطه علمی بی‌بدیل خویش بر دشواری‌های فقهی و کلامی، پارادایم‌های ذهنی رایج و انحرافی را در هم شکستند. تسلط امام بر مبانی دینی، بر همگان آشکار ساخت که دانش ایشان، افاضه‌ای الهی است.

دستگاه خلافت که پایه‌های قدرت خویش را بر تزویر و

عوام فریبی بنا نهاده بود، تاب تحمل انوار صادقۀ امام را نداشت و در نهایت جهان را از نور معیت ایشان محروم ساخت.

کلام معصوم



الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخِفًّا بِالصَّلَاةِ»^۱
 امام صادق علیه السلام: «همانا شفاعت ما [اهل بیت] به کسی که نماز را سبک بشمارد، نخواهد رسید.»

عصر سخن رهبر شهید رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

بین حرکت امام صادق علیه السلام و به طور کلی حرکت عمومی ائمه هدی علیهم السلام، به خصوص نه امامی که از بعد از حادثۀ عاشورا تا زمان غیبت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) این منصب را داشتند، با رفتار و هویت و حرکت بسیجی امروز ملت ما، رابطه‌یی وجود دارد. وقتی شما به تاریخ اسلام نگاه می‌کنید، مقطعی را می‌بینید که در آن، خلافت - یعنی حکومت مبتنی بر پایه‌های دین - تبدیل شده است به سلطنت، که یکی

۱. من لا یحضره الفقیه؛ ج ۱، ص ۲۰۶.



از مقاطع بسیار خطرناک تاریخ اسلام است. ... نتیجه این اتفاق این بود که جامعه‌یی که بر اساس ارزش‌های دینی و اسلامی و در جهت سعادت و صلاح انسان و انسانیت پدید آمده بود، مسیر خودش را به صورت فاحشی تغییر داد. وقتی از منبع و مرکز حکومت یک جامعه، تقوا نتراود، صلاح و دین و معرفت و هدایت سرازیر نشود، بلکه به عکس، از رأس قله جامعه دنیا طلبی، اشرافی‌گری، ماده‌گرایی، شهوت‌پرستی صادر شود و بروز کند، معلوم است که در یک چنین جامعه‌یی، چه بر سر ارزش‌های اصیل و والا خواهد آمد. و این اتفاق در یک برهه‌یی، سال‌ها بعد از وفات نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، در تاریخ صدر اسلام پیش آمد. در چنین شرایطی، دلسوزان و مؤمنان صادق، چه وظیفه‌یی دارند؟ در رأس همه، آن کسانی که بیش از همه وظیفه دارند، امامان معصوم هستند؛ زیرا خدای متعال به آن‌ها از علم خود، از روح خود، از هدایت خود، نصیب وافر داده است؛ آن‌ها را عالم و معصوم و هدایت‌کننده و هدایت‌شونده قرار داده است. ائمه ما در این دوران، وظیفه خودشان دانستند که در مقابل این انحراف عجیب بایستند. آن‌ها مدتی با ایستادگی رویاروی و واضح سیاسی - مثل دوران امام حسن و امام حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام که اثر خود را گذاشت - کار خود را کردند.

آن کار، شعله اعتراض عمیقی را به وضعیت تازه پدیدآمده انحرافی در جامعه اسلامی برافروخت و بعد از آن، در دوران ائمه بعدی، این کار با دشواری بسیار پیچیده و پررنجی ادامه پیدا کرد. ائمه اطهار علیهم السلام وظیفه خود می‌دانستند که هم پایه ارزش‌ها و تفکر اسلامی را در ذهنیت جامعه مستحکم و عمیق نمایند و هم سعی کنند که بنای آن سلطنت پدیدآمده و بناحق بر جای نبوت نشسته را منهدم و ویران کنند و یک بنای حقیقی و صحیحی به وجود بیاورند. ... ائمه علیهم السلام، مبارزه بسیار پررنج و پرتلاش و پرمحتوا و فراگیری را می‌کردند؛ هم در زمینه معنوی و فرهنگی؛ برای حفظ پایه‌های اعتقاد اسلامی و جلوگیری از انحرافی که در جهت بنای حکومت سلطنتی ممکن بود به وجود بیاید، که به وجود آمده بود؛ هم در جهت مبارزه سیاسی. اوج این حرکت در زمان امام صادق علیه السلام بود. نمی‌شود گفت در زمان‌های دیگر، این حرکت اوج نداشت؛ چرا، در زمان امام رضا علیه السلام و در زمان‌های دیگر هم همین‌طور بود؛ منتها زمانه در دوران امام صادق علیه السلام یک فرصت و فسحتی را در اختیار گذاشت و این بزرگوار توانستند کاری بکنند که با پایه‌های معرفت اسلامی صحیح در جامعه، آن‌چنان مستحکم بشود که تحریف‌ها دیگر نتواند این پایه‌ها را از

بین ببرد. ایشان این کار را کرد، تا این زمینه بماند و در هر دوره‌یی از دوره‌های تاریخ، کسانی که لایق هستند، بتوانند از این زمینه استفاده کنند و نظام اسلامی و مبنای مبتنی بر ارزش‌های اسلامی را به‌وجود بیاورند و این بنای رفیع را بسازند. این، کار امام صادق علیه السلام است.^۱

۱. بیانات در دیدار بسیجیان در سالروز شهادت حضرت امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۴/۰۹/۰۷.



